

مبانی و چارچوب نظری « امت واحده اسلامی » و تبیین قلمرو، اجزاء سازنده، ساختار، و ارزش‌های بنیادین آن و نسبت آن با « تمدن نوین اسلامی »

ملک السادات هژبرالساداتی^۱

چکیده

مقاله حاضر با یادآوری اهمیت موضوع امت واحده سعی دارد ضمن واکاوی ابعاد مختلف این مفهوم، دیدگاه دین مبین اسلام نسبت به مقوله امت و لزوم وحدت و یکپارچگی آن را مورد توجه قرار دهد. همچنین به رهنمودهای قرآن کریم و سیره نبوی و اهل بیت در تاکید بر اتحاد مسلمانان و پرهیز از فتنه و تفرقه برای نیل به امت واحده اشاره خواهد شد. در ادامه وضعیت امت اسلامی در عصر کنونی و الزامات عملی برای حرکت به سمت امت واحده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سپس به مقوله تمدن نوین اسلامی، به پشتوانه های نظری آن و ارتباط آن با حرکت بیداری اسلامی دوران معاصر در ممالک اسلامی پرداخته خواهد شد.

در این پژوهش همچنین به نقش انقلاب اسلامی ایران در تقویت بیداری اسلامی و تاکید بیش از پیش رهبران انقلاب بر شکل‌گیری امت واحده و تمدن نوین اسلامی اشاره خواهیم کرد
کلید واژه: امت واحده اسلامی، تمدن نوین اسلامی، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، وحدت

۱. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی از دانشگاه ممتاز آلدو مورو باری ایتالیا Fruz.ho66@yahoo.it

مقدمه

یکی از مهم ترین آرمان های انقلاب اسلامی، کمک به تحقق وحدت مسلمین و همگرایی کشورهای اسلامی است.

وحدت، سبب اتحاد اسلامی و تشکیل امت واحده خواهد شد. یکی از مهم ترین دلایل امام خمینی علیه السلام برای تشکیل حکومت، تأمین وحدت و اتحاد امت اسلامی است.

انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت الهی، در استمرار جریان بیداری اسلامی و به عنوان مهمترین مرحله آن، در مقابل تمدن های مادی قامت برافراشته است.

در شهریور سال ۱۳۹۰ همزمان با اولین اجلاس بیداری اسلامی که بعد از انقلاب های عربی آن سال در تهران برگزار گردیده بود. مقام معظم رهبری به پرسشی در رابطه با هدف نهایی و نقطه مطلوب آن تحولات پاسخ دادند. ایشان در سخنان خود فرمودند: هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید قرار داد.

در صد و پنجاه سال گذشته متفکرین بسیاری در ممالک مختلف اسلامی سعی و تلاش خود را به تبیین مفهوم امت واحده و اهمیت نیل به آن معطوف کردند. در آرا این اندیشمندان تنها راه برون رفت جهان اسلام از وضعیت ناگواری که در چند قرن اخیر با آن مواجه شده بازگشت به ارزش های اصیل اسلامی با تاسی از قران و سنت و سیره نبوی و اهل بیت و اصحاب بوده. در راس این ارزشها و از نظر این دسته از متفکرین وحدت و یکدلی مسلمانان در ذیل پارادایم امت واحده بوده است. این نگرش منجر به شکل گیری جنبش های متعددی در اقصی نقاط جهان اسلام شد که نکته اشتراک همه آنها تاکید روی وحدت مسلمانان برای رهایی از یوق استعمار و بازسازی شکوه تمدن اسلامی بوده است.

این روند پس از فراز و فرودهای فراوان با انقلاب اسلامی ایران وارد مرحله تازه ای شد. با انقلاب اسلامی برای اولین بار حکومتی شکل گرفته بود که در کلام بنیانگذار آن به صراحت یکی از اصلی ترین اهداف خود را حرکت به سوی امت واحده و مقابله مشترک مسلمانان با هجمه های شرق و غرب عنوان می کرد.

پس از انقلاب اسلامی ایران آرمان بازسازی تمدن اسلامی که در آرا و افکار متفکرین مسلمان

در یک قرن گذشته نمود یافته بود با مطرح شدن مبحث «تمدن نوین اسلامی» در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب وارد مرحله جدید شد.

ماهیت و مفاهیم وحدت

واژه وحدت، از ریشه «وحد»، «یحد»، «حده» و «واحداً» گرفته شده و معنای تنها بودن و تنهایی را می‌رساند. (دائرة المعارف القرن العشرين، ۱۳۵۷ق)

وحدت؛ از ریشه «وح د» مصدر است و در لغت به معنای «یگانه و یکی بودن» (ابن منظور، ۱۴۰۸). به گفته راغب «وحدت» از «واحد» گرفته شده و واحد در حقیقت شیئی است که به طور قطع جزء ندارد، سپس بر هر چیزی اطلاق شده و توصیف به وحدت می‌گردد، (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق) و در کاربردهای فارسی نیز به معنی یگانگی، یگانه شدن و تنهایی می‌باشد. (دهخدا علی اکبر، ۱۳۷۷).

واژه نزدیک به آن، کلمه اتحاد است. طریحی کلمه اتحاد را به معنای یکی شدن دو شیء معنا کرده است (طریحی، ۱۳۷۵) اتحاد، مفهوم یکی شدن دو چیز یا چند چیز را می‌رساند. (دائرة المعارف القرن العشرين، ۱۳۵۷ق). یگانگی داشتن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی و یک جهتی در مفهوم اتحاد نهفته است. وحدت در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است (جوهری ۱۴۰۷ق) و در اصطلاح یعنی ملت و امت اسلام باید هماهنگ، یکنواخت و همصدا باشند (آیت الله خامنه‌ای سید علی ۱۳۷۷). اتحاد میان مسلمانان به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنها است و این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود آن است و راه رسیدن به این هدف، تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل است. (خومحمدی ۱۳۸۵)

وحدت در اصطلاح جامعه‌شناسی و سیاسی، همدل شدن و پرهیز از اختلاف احزاب و امت است وحدت و اتحاد مردم یک کشور اسلامی و ملت‌های چند کشور اسلامی است. در مباحث سیاسی، وحدت سیاسی و اتحاد سیاسی به یک معنا به کار رفته است. (آقا بخشی ۱۳۸۳).

منظور وحدت معقول است که با توجه به آزادی اندیشه و تعقل بیشتر می‌تواند مورد نظر قرار بگیرد که آن نیز عبارت است از؛ قرار دادن متن کلی اسلام بر اساس اعتقاد همه مسلمانان و کنار

گذاشتن عقاید شخصی، نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. مقصود این است که با توجه به مشترکات بین همه طوایف و فرقه های اسلامی، نظیر اعتقاد به خداوند یگانه، پیامبر اسلام و کتاب الهی و قبله مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی؛ مانند نماز، روزه، حج و زکات، همه با همدلی با یکدیگر همکاری کنند. (مطهری، ۱۳۸۱).

رهنمودهای قرآن کریم و سیره نبوی و اهل بیت در تاکید بر اتحاد مسلمانان

وحدت یکی از آموزه های مهم قرآن کریم و از سفارش های مؤکد پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت علیهم السلام است. ائمه اطهار با سیره عملی و کلمات روشن بخش خود، همواره امت اسلامی را به اتحاد و پیوستگی و دوری از تفرقه و پراکندگی دعوت نموده اند. اسلام هرگونه مرز بندی اعتقادی، سیاسی و فکری را درون جامعه نفی می نماید. مسلمانان جهان با تمسک به مشترکات؛ از قبیل (قرآن، پیامبر، قبله و...) می توانند زندگی مسالمت آمیز داشته باشند و با توجه به مسائل اشتراکی، به اهداف جامعه اسلامی برسند. در سیره اهل علیهم السلام بحث وحدت مسلمین به طور ملموس واضح است که همواره مسلمانان را به دوری از اختلاف توصیه کرده و بر اتحاد مسلمین تأکید داشته اند.

قرآن برای دستیابی به اتحاد به اموری اشاره می کند که می توان از آنها به عنوان عوامل بیرونی و درونی اتحاد یاد کرد. از آنجا که روش و هدف واحد به عنوان اصلی ترین مؤلفه های اتحاد و اتفاق مطرح هستند و بی آن، امت پدید نمی یابد، قرآن پذیرش کامل دین اسلام را مهمترین عامل اتحاد بر می شمارد زیرا با انتخاب آن، اتحاد روشی و هدفی کامل میان مجموعه ای که قرآن از آن به عنوان امت اسلامی یاد می کند، تحقق می یابد. (بقره / ۲۰۸).

مقصود از وحدت، وحدت امت اسلام است که خداوند میفرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲).

«همانا این امت شما امت واحده است...» پس اساس این وحدت را قرآن نهاده است. قرآن کریم بارها مسلمانان را به عنوان «یک امت» مخاطب ساخته است؛ مانند ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...﴾ (آل عمران: ۱۱۰). ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...﴾ (بقره: ۱۴۳).

در آیاتی که مسلمانان را به وحدت دعوت می کند و از اختلاف باز میدارد.. مانند ﴿وَاعْتَصِمُوا

بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا...»؛ «به ريسمان الهی چنگ زنيد و از تفرقه بپرهيزيد» (آل عمران ۱۰۳). علامه طباطبائی رحمته الله در تفسير اين آيه چنين اظهار داشته است: «شاید وجه اينکه اعتصام به حبل الله و متفرق نشدن» نعمت خدا خوانده شده، اشاره به اين معنا باشد که اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می خوانيم، بی دليل نيست. دليل اينکه شما را به آن دعوت کرده ايم، همين است که به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع، تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشديد و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتيد و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات يافتيد.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا...﴾؛ «... دين را به پا داريد و متفرق نشويد..» (شوری ۱۳).

آنچه که از معارف دينی استنباط می شود اين است که وحدت و اتحاد امری فطری و طبيعی است و انسان با روحیه نوع دوستی خلق شده است. امام علی عليه السلام می فرمايد: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الصَّمَائِرِ، فَلَا تَوَارُزُونَ وَ لَا تَنَاصِحُونَ، وَ لَا تَبَادُلُونَ، وَ لَا تَوَادُّونَ». «همانا شما براساس دين خدا - که آيين فطرت است با يکديگر برادر و پيوسته ايد، و تنها ناپاکی های درونی و زشتی های باطن موجب تفرقه و جدایی ميان شما شده است که در نتیجه، تعاون و همیاری، نصیحت، بذل و بخشش و دوستی و محبت از ميان شما رخت بر بسته است». (رضی، محمدبن حسين، محقق: صالح، صبحی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق). وحدت گرایی، فطری است اما اين امر به پرورش و توجه خاص نیاز دارد و عدم توجه به آن، مانع شکوفایی اين وحدت گرایی می گردد. پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله و ائمه معصومين عليهم السلام برای تقويت اين امر فطری سعی بسيار می کردند.

پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله می فرمايند: «أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ؛ ای مردم! بر شما باد به جماعت و بپرهيز از جدایی. (محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۹ ش) و «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ؛ وحدت مایه رحمت است، و تفرقه موجب عذاب.»؛ (کنز العمال، متقی هندی، ۱۴۰۹ ق).

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله می فرمايد: «من فارق الجماعة شبراً فميتة جاهلية» «کسی که به اندازه ی یک وجب، از جماعت مسلمين کناره بگيرد و در آن حال بميرد، به مرگ جاهلی از دنيا رفته است». (مسلم النيشابوری، صحيح مسلم ۱۴۲۱ ق).

پیامبر اسلام ﷺ رمودند: (ثلاثه لا یغل علیهن قلب عبد مسلم: اخلاص العمل لله والنصیحه لایمه المسلمین و اللزوم لجماعتهم؛ یعنی سه چیز است که هرگز دل مرد مسلمان در مورد آنها نمی لغزد و خیانت نمی کند: عملی را خالصا لوجه الله به جا آوردن، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمانان، همراهی و ملازمت جماعت مسلمین). (مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ ق).

امام علی علیه السلام می فرماید: «لَيْسَ رَجُلٌ فاعْلَمَ اَحْرَصَ عَلٰى جَمَاعَةٍ اُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ اَلْفَتْهَا مِنِّي اَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ كَرَمَ الْمَاَبِ» «بدان هیچ کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد ﷺ حریص تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم . (سیدرضی، محمدبن حسین، محقق: صالح، صبحی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق).

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: عَلَيكُمْ بِالتَّوَّاضُعِ وَ التَّبَادُلِ وَ اِيَاكُمْ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ؛ بر شما باد به ارتباط و بخشش به یکدیگر و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یکدیگر . (سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق).

از حضرت علی علیه السلام نیز روایت شده است: (ایاکم و الفرقة فان الشاذ من الناس لشیطان کما ان الشاذ من الغنم للذیب). از تفرقه پرهیزید؛ چرا که هر کس از دایره اتحاد و انسجام خارج شود، طعمه شیطان است و همچون گوسفند تنها طعمه گرگ می شود . (آمدی، غرر الحکم، ۱۴۲۹ ق).

در سیره اهل بیت علیهم السلام بحث وحدت مسلمین به طور ملموس آشکار است آنان مسلمانان را بر وحدت و اتحاد مسلمین تاکید می نمودند و دوری از اختلاف و تفرقه را توصیه می نمودند . به لحاظ شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوتی که با آن مواجه بودند، بالطبع تاکتیک ها و روش های آنان هم متفاوت بود و بر اساس موقعیت ها و مصالح نظام و حفظ اساس اسلام در پی ایجاد وحدت بین مسلمین بوده اند و با محور قرار دادن مشترکات بین مسلمانان در گفتار و رفتار و عمل، بحث وحدت را مطرح می نمودند. و در حقیقت امر اخلاق عملی خود را در ایجاد وحدت به پیروان خود نشان دادند .

امت واحده

واژه امت در اصل و ریشه لغوی «أمم» به معنای قصد و آهنگ است و در وجوه و معانی از قبیل شریعت، دین، جماعت، طریق، مذهب، زمان، گروه هم‌کیش و متحد بکار رفته (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ابن درید ۱۹۷۸) و به گروهی اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین، زمان، یا مکان

واحد داشته باشند؛ اگرچه این اشتراک اختیاری یا غیر اختیاری باشد. واژه امت و مشتقات آن شصت و چهار بار در قرآن بکار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ ق).

اشاراتی به نمونه‌هایی از آیات قرآن در رابطه با واژه امت واحده: «ملت‌ی که دینی واحد دارند: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ (انبیا آیه ۹۲). امت به معنای جماعت: ﴿وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾. (اعراف آیه ۱۸۱).

امامی که پیشوا و مقتدای سایرین است: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ﴾. (سوره نحل - آیه ۱۲۰) ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ و تقطعوا أمرهم بينهم كل إلینا راجعون؛ این امت شماسست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستید، ولی آنان در کار خود اختلاف پیدا کردند و همگی شان به سوی ما باز می‌گردند (انبیا - آیه‌های ۹۲ - ۹۳).

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ ف تقطعوا أمرهم بينهم زبیرا كل حزب بما لدیهم فرحون؛ و همانا این امت شماسست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید، ولی آنان در کارشان میان خود اختلاف و تفرقه یافتند، هر گروهی به آنچه در دست دارد شادمان است. (مومنون - آیه‌های ۵۲ - ۵۳).

همچنین به معنای «راه» عزیمت، آهنگ رفتن، سفر، هجرت، حرکت به پیش و بخصوص راه مستقیم و آشکار و استوار است، ولی با حفظ همه این معانی، کلمه امت در اصل به معنای «الطریق الواضح» است (جوادی آملی ۱۳۸۶).

همچنین به لحاظ اصطلاحی تعاریف متعددی برای «امت» مطرح شده است که آن را تبدیل به کلیدواژه‌ای اساسی و مهم در مباحث حقوق عمومی اسلام نموده است. «منظور از امت اسلامی، مردم جوامعی هستند که دین اسلام را به‌عنوان آیین و دین سعادت‌بخش در دو قلمرو مادی و معنوی پذیرفته‌اند» (جعفری، ۱۳۷۵).

به تعبیری، جامعه یا گروهی انسانی که راه روشنی را انتخاب کرده و به‌سوی مقصد و هدف مشترک در حرکت‌اند و رسالت و مسؤولیت جهانی خود را تحت رهبری سیاسی - الهی به‌منصه ظهور برسانند و در قبال هدایت و رستگاری جوامع دیگر احساس وظیفه می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

عده‌ای نیز «امت» را به معنای مردم، اجتماع، گروه، اجتماع مسلمانان، جامعه مؤمنین،

اجتماعی که تسلیم و مطیع خداست و دولت و حکومتی که تحت حاکمیت خدا قرار دارد، بکار برده اند . (احمدی، ۱۳۸۸).

با این تعابیر امت جامعه‌ای است که در هیچ سرزمینی ساکن نیست. امت جامعه‌ای است که بر اساس هیچ پیوندی خونی و خاکی استوار نیست؛ امت جامعه‌ای است که بر مبنای هیچ تشابهی در کار و شکل زندگی تشکیل نیافته است، بلکه «امت» عبارت است از جامعه‌ای که افرادش تحت یک رهبری بزرگ و متعالی، مسئولیت پیشرفت و کمال فرد و جامعه را با خون و اعتقاد و حیات خود حس می‌کنند (شریعتی، ۱۳۸۳).

در قلب دکترین سیاسی اسلام، امت و جامعه اسلامی جای دارد که صرفاً رشته‌های ایمانی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. مرزهای سیاسی جز آن‌هایی که دارالاسلام را از دارالحرب جدا می‌کرد، در دیدگاه اسلام اعتبار نداشته و تشکیلات داخلی امت هم بر اساس ایمان دینی مشترک استوار است. (لمبتون، ۱۳۷۴).

لذا معیار اصلی، ایمان و اعتقاد به دین اسلام است (هانتینگتون ۱۳۷۸).

ایده امت اسلامی می‌تواند با تعبیر نظریه «جهان‌وطنی اسلام» بیان شود که مبتنی بر اشتراک ایمان و عقیده در اسلام و نه ملاک جغرافیا و نژاد و... می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۸).

در فقه سیاسی اسلام، منظور از امت، جماعتی دارای وحدت فکری - اعتقادی است و عنصر جمعیت دولت اسلامی را همین امت تشکیل می‌دهند که دارای رابطه اعتقادی مبتنی بر اسلام هستند. (غمامی، ۱۳۹۱).

اصولاً تا زمان دولت پیامبر اکرم در مدینه واژه امت در میان اعراب مفهوم جامعه شناختی نداشته بلکه بیشتر در معنای آیین و دین بکار می‌رفت. (احمدی، ۱۳۸۸).

باید گفت امت تنها یک جامعه ساده معنوی نیست، بلکه بیشتر جنبه دولت آن مطرح است (Esposito, 1987).

گرچه در قرآن واژه امه برای غیر مسلمانان نیز اطلاق شده و یا در منشور مدینه این مفهوم برای یهودیان و مسیحیان مدینه نیز اطلاق شده است، ولی بعدها دایره مفهومی و شمول معنایی آن به جامعه دینی و معتقدین مسلمان محدود شد. (الیاد ۱۹۸۶).

پیامبر اسلام برای تحقق بخشیدن به شوون سه‌گانه خود؛ یعنی تبلیغ، قضاوت و زعامت سیاسی، ناگزیر به تشکیل حکومت و دولت بود و هجرت از مکه به مدینه نیز با هدف تشکیل حکومت بود که به عنوان سرفصل تاریخ سیاسی اسلام مطرح گردید. (حاتمی، ۱۳۸۴).

اولین گام در دولت‌سازی، ایجاد اخوت میان مسلمانان بود؛ چراکه ساخت جامعه اسلامی بر مبنای اتحاد مبتنی بر دین است. تدوین تاریخ هجری و ساخت و ساز مسجد، برخی دیگر از اقدامات پیامبر اکرم ص در راستای دولت‌سازی تلقی می‌شود. تدوین قانون اساسی نیز آخرین مرحله دولت‌سازی پیامبر اسلام ﷺ است (کعبی، ۱۳۹۳).

تدوین و امضای پیمان مدینه بر مبنای ایمان و ایدئولوژی و اراده آزاد و با آگاهی افراد امت جدید میان قبایل و عشیره‌ها و گروه‌های قومی و حتی مذهبی همچون یهودیان که به عنوان نخستین قانون اساسی معروف شد، در نوع خود در جهان بی‌نظیر بود. این امر مقدمه اتحاد سیاسی برای اعراب مدینه و سپس برای همه اعراب و مسلمانان شد (حمیدالله، ۱۳۸۶).

بر اساس این قانون اساسی که متشکل از سازمان اداری، قضایی و دفاعی و قانونگذاری و حکومتی بود، مسلمانان از هر قبیله و قشر و گروهی، مبتنی بر همبستگی الهی یک امت را تشکیل می‌دادند (جعفریان، ۱۳۹۲) چراکه اسلام از آغاز بصورت یک جنبش دینی - سیاسی گسترش پیدا کرد و بصورت دینی که همگرا با دولت و جامعه است، پدیدار شد.

به تعبیر مقام معظم رهبری «نخستین فرآورده سیاسی - انسانی اسلام، امت اسلامی است» آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۰)

پیامبر در جهت تأسیس جامعه اسلامی و امت اسلامی، با شکستن همه مرزها، تنها مرز را اسلام قرار داد.

از نظر شهید بهشتی بین ملت، عامه مردم و امت تفاوت وجود دارد. «بر اساس کتاب و سنت تمام نظر مکتب به عامه مردم است و در میان عامه مردم آن‌ها که بر محور این مکتب جمع می‌شوند و شکل می‌گیرند از تقدم و اولویت خاص برخوردارند و آن‌ها می‌شوند امت. امت غیر از ناس است. اسلام در خدمت ناس است. صلاح همه را می‌خواهد نه فقط صلاح مسلمین در کل می‌توان گفت نظام اسلامی به سعادت کل بشر می‌اندیشد. ولی در میان ناس و کل بشر آن‌ها که برپایه اعتقاد به اسلام و التزام به اسلام یک مجموعه بوجود می‌آورند می‌شوند امت که نیاز به امام دارد. (بهشتی ۱۳۹۰).

برخلاف واژه «ملت» که با عنصر سرزمین و قلمرو جغرافیایی خاصی همراه بوده و معنا و مفهوم پیدا می‌کند و اینک در عرف حقوق داخلی و خارجی به رسمیت شناخته می‌شود، اما «امت» با عنصر عقیده و آرمان پیوند خورده است. اسلام برای مرزبندی‌های موجود اصالت قائل نیست؛ زیرا پیام‌آور حقیقتی است که می‌خواهد همگان از این حقیقت بهره‌مند گردند. «علامه طباطبایی» معتقدند: اسلام اصل انشعابات قومی و ملی را بدین صورت که مؤثر در تکوین و پیدایش اجتماع باشد، ملغی ساخته است» (طباطبایی، ۱۳۵۰). اندیشه امت، مفهوم دولت - ملت را به خاطر وحدت جهان اسلام و به عنوان هسته مرکزی حاکمیت نفی می‌کند. مفهوم امت به‌خودی خود نشان‌دهنده عدم محوریت دولت - ملت است (هانتینگتون، ۱۳۷۸)؛ البته فراملی بودن مفهوم امت به مفهوم نفی کلی مفهوم و کارکرد ملیت یا ضدیت با آن نیست، بلکه آن دسته از تعصبات ملی که با ارزش‌های دینی یا انسانی در تعارض‌اند، نفی می‌گردند. به تعبیر امام خمینی به عنوان یکی از بزرگترین مصلحان معاصر جهان اسلام، ناسیونالیسم و ملیت‌گرایی یکی از موانع وحدت اسلامی و امت بوده است. «من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است» (امام خمینی، ۱۳۷۲).

بنظر می‌رسد یکی از دلایل عدم توفیق کامل فرآیند ملت‌سازی در جهان اسلام و تا حدودی بیگانه بودن مسلمانان با این پدیده سیاسی و فرهنگی، تفاوت در نگرش مسلمانان نسبت به خاستگاه ملت و ویژگی‌های عرفی و غیر دینی ملت باشد (قاسمی، ۱۳۸۲). در واقع نقش پرتأثیر دین و ساخت چارچوب‌های فکری و ذهنی مسلمانان، تضادهای عمیق و وسیع با باورهای ناسیونالیسم در قلمرو جهان اسلام ایجاد می‌کند (سید قطب، ۱۳۷۸). از دیدگاه امام خمینی وضع اقوام و ملل همانند وضع آنها در دوران قبل از هجوم استعمار خواهد بود. بدین معنا که اسلام تنوع فرهنگی و هویتی را مادامی که در چارچوب اسلام باشد و نفی اخوت اسلامی را نکند، پذیرفته است (قاسمی، ۱۳۸۲).

واقعیت‌های امروز جوامع اسلامی و الزامات عملی برای گذرا به امت واحده اسلامی

اسلام از آغاز ظهور خود در مسیر تمدن‌سازی قرار داشته است. سرزمین‌های اسلامی در مدت زمان اندکی پس از ظهور اسلام تبدیل به کانون بزرگترین تمدن عصر خود شدند که توانست با ایجاد تحولات شگرفت در زمینه‌های مختلف برای قرن‌های متمادی پرچمدار رشد و پیشرفت معرفتی و مادی بشر باشد. این موفقیت مرهون ظرفیت‌های عظیم آموزه‌های اسلامی بوده است. که در قران

مجید و سیره و کلام نبی اکرم و معصومین به مومنین عرضه شده، از بارزترین شاخصه‌های دین اسلام که در فرایند شکل دهی به تمدنی نوین نقش تعیین کننده ای ایفا کرد تاکید بر مفهومی تحت عنوان امت واحده بوده یکی از برکات این اصل اسلامی توانایی اسلام در جذب و بهره مندی از دانش و توانمندی‌های اقوام و ممالک تازه مسلمان شده بود. هر چند در مقاطعی نظیر دوره حکمرانی بنی امیه اصل وحدت امت جای خود را به نگرش‌های نژادپرستانه باقی مانده از دوران جاهلیت داد اما در مجموع پر رنگ بودن موضوع وحدت در آموزه‌های اسلامی ونفی هر گونه برتری جویی مبتنی بر نژاد و قومیت و تعیین تقوا و ایمان به عنوان تنها ملاک برتری افراد در شرایطی را فراهم کرد که تازه مسلمانان در سرزمین‌هایی مثل ایران و شام و مصر و روم بتوانند ظرفیت‌ها و دانش و توانمندی‌های خود را در خدمت اسلام و ایجاد تمدن اسلامی قرار دهند.

در زمینه‌های فلسفه سیاسی اسلام که بر پایه شناخت واقع‌بینانه از جهان و بر محور آرمان‌های توحیدی شکل گرفته است، حکم می‌کند که تمام کشورهای اسلامی به‌عنوان جزئی از پیکره واحد امت اسلامی در یک تلاش جهانی در راه تحکیم وحدت اسلامی و اعتلای اسلام در برابر کفر بکوشند. این نظریه مبتنی بر ایجاد مرزهای عقیدتی و پیوندهای ایدئولوژیک بر اساس اسلام، یکپارچگی جهان اسلام را با رعایت تنوع فرهنگی و قومی و سرزمینی زمینه‌سازی می‌کند. این نظریه در مقام اجرا باید فراتر از مفهوم دولت ملت به‌عنوان ایده‌ای مدرن، سکولار و معاصر، ساختاری نوین و امروزیین یابد. لذا لازم است الگوی امت در این قالب نوین، در نظام حقوق اساسی سایر کشورهای اسلامی نیز گسترده شود. چنین فرآیندی زمانی کامل خواهد شد که هوشمندانانه قوانین و اصول راهبردی حاکمیت و وحدت اسلامی در الزامات تقنینی و اجرایی و بین‌المللی کشورهای اسلامی نمودار شده و استراتژی تعاون و همبستگی کشورهای اسلامی به عنوان یک راهبرد بنیادین در قانون اساسی این کشورها لحاظ شود و از ملی‌گرایی افراطی و ایده غیر بومی «دولت مدرن و ملی» با توانی سازمان‌یافته و دارای ضمانت اجرای مؤثر به مقابله بپردازد. برای تحقق این ایده مهم، راهبردهای مهمی در عرصه نظری و عملی لازم است که عمده آن باید به‌عنوان الزاماتی در نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی لحاظ گردد.

از اشتراک مبانی اعتقادی تا شکل‌گیری ساختار نظری امت، فاصله‌ای است که باید با راهبردهای نظری مناسب در جوامع اسلامی و از مسیر فروکاهش بنیان‌های نظری دولت مدرن در کشورهای

اسلامی طی شود. وجود دو محور در ساختار امت سبب می‌شود تصور جامعه آرمانی و دور از دسترس از امت پیش آید.

اول: رهبری امام معصوم که در زمان و روزگار فعلی به امام معصوم دسترسی نداریم

دوم: انسجام فکری و ارادی همه مردم در حرکت به سوی خداگونگی

چون امت جامعه‌ای متحرک است که حرکتی دسته‌جمعی را به سوی نقطه خداگونگی شروع کرده تمام جریان‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود را حول این حرکت تنظیم می‌کند. بنابراین، افراد این جامعه باید این اصل را قبول داشته و در حرکت به سوی خداگونگی با هم هدف باشند. از آنجا که تحقق چنین محوری سخت بنظر می‌رسد، این سؤال به ذهن می‌آید که آیا واقعاً زمانی می‌رسد که تمام افراد جامعه در جهت حرکت به سوی خداگونگی، انسجام فکری و ارادی پیدا کنند (علم‌الهدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲) درحالی‌که هنوز امامت مشترک و الهی به شکل ظاهر محقق نشده است؟ سرخوردگی از علم و تکنیک باعث شده که در دنیای امروز، انسانها به سوی معنویت گرایش پیدا کنند، یعنی از سویی سرخوردگی دنیا از علم و از سویی گرایش به سوی معنویت سبب شده است که در توده انسانها یک بستر اجتماعی از افراد صاحب انگیزه که اعتقادشان حرکت به سوی خداگونگی است، ایجاد شود. با پیدایش چنین بستری امت محقق خواهد شد.

همگرایی اسلامی مهمترین رویکرد نظری شکل‌گیری امت است. مقصود از همگرایی اسلامی، رفتار متعهدانه متقابل مذاهب و اندیشه‌های اسلامی بمنظور صیانت از اصول مشترک اسلامی است. در این باره سیاست راهبردی بازگشت به اسلام، توجه به مشترکات یکدیگر و پرهیز از دشمنی‌ها، اصل احترام مذاهب به یکدیگر، مهار تنش‌ها و پرهیز از سب و دشنام پیروان مذاهب نسبت به یکدیگر، ترویج و تثبیت فرهنگ آزاداندیشی در جهان اسلام همراه با نقد تعصبات کور مذهبی و فرقه‌ای، تقویت دارالتقرب و مجمع‌ها، تشکیل مرکز بررسی و تحلیل عوامل اختلاف‌برانگیز بین مسلمانان، استکبار ستیزی و توجه به دشمن واحد باید در نظر باشد. تدوین راهبردهای نظری به‌تنهایی قابل اجرا نبوده و نیاز به راهبردهای عملی و اقدامات مؤثر اجرایی در سطح کشورهای اسلامی دارد. این الزامات عملی می‌توانند در اموری همچون تحقق حقوق بین‌الملل اسلامی، اتحاد حقوقی - سیاسی کشورهای اسلامی در قالب اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی و فهرستی از اقدامات و اصلاحات در نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی، خود را نمایان سازند.

برخی راهبردهای عملی برای اعمال در قانون اساسی و رویکردهای حقوقی - سیاسی کشورهای اسلامی نیز قابل بیان هستند که می‌توانند در تحقق ساختارهای امت اسلامی مؤثر باشند از جمله اصلاحات لازم در قانون اساسی و اسناد بالادستی کشورهای اسلامی و ابتدای آن بر اسلام به‌عنوان محور و وجه اشتراک کشورهای اسلامی ذکر مبانی و اصول اسلامی مؤثر در تشکیل امت در قانون اساسی و اسناد لازم‌الاجراء مانند ابتدای قوانین بر اسلام، وجود حاکمان مسلمان، تعاون اسلامی در روابط بین‌الملل و ایجاد ساختار و ضمانت اجرای اصول اسلامی در قانون اساسی کشورهای اسلامی؛ مانند قانونگذاری اسلامی و نظارت بر آن، نظام اجرا و قضای شرعی و تدوین و اجرای اصول و ساختار سیاست خارجی کشورهای اسلامی بر اساس تعاون و تعامل سازنده اسلامی تقویت و ایجاد ساختارها و سازمان‌های بین‌المللی مسلمانان؛ مانند سازمان همکاری‌های اسلامی، سازمان گفتگوهای علمی و مذهبی و تقریب آنها، سازمان دادگستری کشورهای اسلامی، نظامات اجرایی و نظارتی حقوق بشر اسلامی، سازمان بین‌المجالس اسلامی و کاستن از برخی مؤلفه‌های درونی دولت - کشور و تقویت ابعاد فراملی آن مانند قوانین تجارت، مالیات و ابزارهای مالی، واحد پول، محدودیت‌های دیپلماتیک و روادید و ایجاد توافقات دو و چندجانبه بین‌المللی و تعهدات حمایتی کشورهای اسلامی از یکدیگر در اقتصاد، قضا، امور نظامی و...

در مقدمه قانون اساسی، انقلاب اسلامی ایران به عنوان حلقه اول فرآیند تشکیل امت اسلامی و خواست قلبی همه ملت اسلامی تلقی شده است. لذا این انقلاب تنها منتسب به کشور ایران نیست و در راستای تشکیل امت اسلامی است. اصل ۱۱ قانون اساسی نیز بیان می‌دارد.

به حکم آیه کریمه ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

این اصل در فصل کلیات و به عنوان مبانی نظام حکومتی آورده شده است تا دولت اسلامی را مبتنی بر آن مستقر نماید. در چنین تعبیری از حاکمیت اسلامی، عنصر امت در واقع جمعیت انسانی دولت را تشکیل می‌دهد که با حضور رهبران دینی عمل می‌نماید و رسالت نظری دولت نیز تحقق و گسترش اسلام است. در اینجا یک زنجیره منطقی وجود دارد: «حلقه اول انقلاب اسلامی

است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است و در نهایت تشکیل امت اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴). نظریه حقوقی - سیاسی امت در واقع نظریه اصلی مسلمانان در گذار از قالب‌ها و نظریه‌های حاکمیت در دوران معاصر است که همگی بر پایه ناسیونالیسم و نظریه دولت - ملت شکل گرفته‌اند.

ترکیب امامت و امت در اصل پنجم و پنجاه و هفتم قانون اساسی مبین ساختاری متفاوت از دولت و ستفالیانی است. در این نوع از نظام سیاسی، امامت و رهبری در رأس همه امور قرار دارد. با توجه به اصول متعدد قانون اساسی از جمله بند ۱۶ اصل ۳ و اصول ۱۱ و ۱۵۲ و ۱۵۴ می‌توان نتیجه گرفت که از نظر قانون اساسی، چون «همه مسلمانان یک امت‌اند»، «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» یکی از معیارهای اسلام است و به همین سبب، یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به بدهاقت و قطعیت اصل اخوت اسلامی و وحدت امت اسلامی و وجوب دفاع از حقوق همه مسلمانان، می‌توان در این زمینه به اصل چهارم قانون اساسی که اصل مربوط به حاکمیت دین می‌باشد، استناد کرد که هرگونه قانونگذاری که در تعارض با وحدت امت اسلامی و موجب بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت مسلمانان باشد، با روح حاکم بر قانون اساسی ما سازگاری نخواهد داشت. نمونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که تلاش برای گذار از دولت مدرن در جهت تحقق امت اسلامی در دوره معاصر با راهبردهای نظری و عملی حقوقی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی ممکن و مقدور است و می‌تواند به آینده‌پژوهی نظام حقوق اساسی کشورهای اسلامی نیز کمک شایانی نماید.

احیای جهان اسلام در آئینه تمدن نوین اسلامی

واژه «تمدن» معنای لغوی آن از کلمه «مدینه» گرفته شده و به معنای «شیوه زندگی در جامعه شهری است» (سیدی، ۱۳۸۸).

آنچه در معنای لغوی تمدن در زبان‌های مختلف، فراوان به چشم می‌خورد، کلمه شهر است و این بدان معناست که خواستگاه شکل‌گیری اکثر تمدن‌ها شهر بوده و شهرنشینی مصداق بارزی از تمدن بوده است (رضایی، ۱۳۸۶) معنای اصطلاحی تمدن بیشتر با دو رویکرد مادی و معنوی مورد توجه

اندیشمندان قرار گرفته اند. تمدن عبارت است از پذیرش بهترین اصولی که امکان اداره مردم آن دو را فراهم می‌کنند (رضایی ۱۳۸۷) تمدن عبارت است از مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی انسانها و این اختراعات و اکتشافات، اندیشه‌ها و ... جزو تمدن به حساب می‌آیند. (سیدی، ۱۳۸۸).

این خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند از نظر ابن خلدون جامعه که با ایجاد حاکمیت نظم پذیر شده مناسب و دستگاه‌های حکومتی تشکیل داده که بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی و ملکات نفسانی و هنر شده مدنیت است. (عروتی موفق، ۱۳۸۵).

تعریف‌های گوناگونی که از تمدن صورت گرفته است، شامل انواعی از تعریف هاست که برخی از آنها درصدد تبیین ماهیت تمدن اند و برخی دیگر درصدد تمایزبخشی میان فرهنگ و تمدن هستند، در این بین، تعریف‌هایی هم وجود دارند که به علل شکل‌گیری تمدن‌ها پرداخته اند. و برخی نیز بر مولفه‌های مفهومی تأکید داشته‌اند.

تمدن عینیت یافتن ارزش‌ها و مطلوب‌های انسانی در بستر حیات فردی و اجتماعی است. عینیت تنها جنبه‌های کالبدی واقعیت نیست.

بلکه ابعاد نرم فرهنگی که همان انگاره‌ها، ارزش‌ها، رویکردها و روش‌ها هستند را نیز شامل می‌شود. در واقع، تمدن برساخته‌ای از دو دسته بنیان‌های نرم و مولفه‌های سخت است که در یک جریان هم‌گشتگی موجب شکل‌گیری تمدن می‌گردد. (خرمشاد و آدمی - ۱۳۸۸).

ویل دورانت بین فرهنگ و تمدن مرز مشخصی قائل است، بدین معنا که اندیشه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی جوامع را وقتی در شمار تمدن در می‌آورد که شهرنشینی تشکیل یافته باشد. وی تمدن را عبارت از نظم اجتماعی می‌داند که در اثر آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. (دورانت، ۱۳۳۷ - ۳).

در واقع تمدن نوع خاص از توسعه مادی و معنوی در یک جامعه است که دربرگیرنده مجموعه عناصر اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، علمی، فنی و دینی است.

این تعاریف در ارتباط با تمدن اسلامی هم صدق می‌کند. تمدن اسلامی بیانگر تمام جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه

علمیه قم، ۱۳۸۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸). به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است (بابایی، ۱۳۹۰). به اعتقاد زرین کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (زرین کوب، ۱۳۸۴).

تمدن اسلامی اشاره به یک واقعیت خارجی و تاریخی دارد که در زمان مشخص شکل گرفته است. تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها، صنایع، روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی امنیتی است که با الهام از آموزه‌های دین اسلام در طول چند قرن به دست مسلمانان پدید آمده است.

شگفتی‌ساز بودن این تمدن در این است که ریشه در سرزمینی دارد که از کمترین مظاهر تمدنی برخوردار بود، یعنی جزیره‌العرب. آن هم در دوره‌ای که جهان در تاریکی به سر می‌برد و تمدن‌های بزرگ نیز رو به افول بودند. با وجود تمدن‌های بزرگی مانند ایران باستان، روم و یونان، تمدن اسلامی چهره جدیدی از تمدن با ویژگی‌های منحصر به فرد به نمایش گذاشت. این تمدن دو جنبه اصلی و اساسی دارد. بخشی که از طریق خود اسلام پدید آمد و به ابتکار مسلمانان گسترش یافت. این بخش تمدن بر پایه قرآن و سنت شکل گرفته است. بخشی که به مثابه میراث برجای مانده از تمدن‌های پیشین در قلمرو اسلام قرار گرفت و به دست مسلمانان توسعه و تکامل پیدا کرد و رنگ اسلامی به خود گرفت. اسلام میراث تمدنی فتوحات را به خدمت گرفت و معنای جدیدی به آنها داد.

واژه تمدن اسلامی عمدتاً به دو دوره اصلی تاریخی اشاره دارد. دوره اول از ۷۵۰ میلادی تا ۱۲۵۸ یعنی از آغاز دعوت اسلامی و پیدایش اسلام تا سقوط بغداد به دست هلاکوخان مغول دوره دوم از اسلام آوردن مغولان تا ایجاد حکومت‌هایی مانند صفوی و عثمانی یعنی اواسط قرن ۱۸ میلادی را شامل می‌شود. تمدن اسلامی بعد از دوره دوم یعنی از میانه‌های قرن ۱۸ دچار افول شد. مولفه‌های تمدن اسلامی را در پنج قرن اول که دوره شکوفایی تمدن اسلامی است چنین برشمرده‌اند: فضای امن، نظم و انضباط اخلاقی، اصالت داشتن اندیشه و تفکر، بالا بردن سطح زندگی

و رفاه، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب، غلبه روحیه همبستگی، توسعه و ترقی علم و ادب، اوج‌گیری توأمان کار و ایمان، رعایت حال ضعفا و مستمندان .

یکی از عوامل موثر در رشد و گسترش تمدن اسلامی این بوده است که هیچ‌گاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد نکرد لذا در حوزه وسیع دنیای اسلامی همه اقوام مختلف اعم از عرب، ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی حاضر و فعال بوده‌اند .

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی اهتمام آن به علم بوده است . احادیث و روایات زیادی در میان مردم و جامعه رایج بود که مردم را به علم‌آموزی تشویق می‌کرد و این کار را ارزشمند و لازم می‌دانست. «طلب العلم فریضه لکل مسلم»، «اطلبوا العلم ولو بالصدیق»

جورج سارتن می‌گوید ره آورد این میزان اهتمام به علم این بود که مسلمانان شش قرن رهبری علمی در جهان را بر عهده داشتند. از نیمه دوم قرن دوم هجری تا قرن پنجم یعنی ۳۵۰ سال یگانه رهبر علم بودند. در طول ۲۵۰ سال پس از آن هم همراه با مسیحیان طلایه‌داران علم جهان به شمار می‌رفتند. او از عصر جابر بن حیان، عصر رازی، عصر مسعودی، عصر ابوالوفاء، عصر ابوریحان، عصر خیام و... نام می‌برد. در طول دوره تمدن اسلامی ساختارها و سازمان‌های متعددی متولی گسترش و رونق علم در جهان اسلام بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به بیت‌الحکمه‌ها در بغداد، دارالعلم‌ها در مصر، نظامیه‌ها در زمان مغول و سلجوقیان و... اشاره کرد . تمدن اسلامی برای علم و دانش برگرفته از تمدن‌های گذشته، آورده‌ها و افزوده‌های فراوانی داشت. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت تمدن اسلامی افزوده‌ها و خدماتی از این دست را در گسترش دانش بشری به‌طور موثر به کار بست .

مقام معظم رهبری نیز تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود .

ایشان این ارزشها و خصوصیات را در قالب نظریه تمدن نوین اسلامی مطرح نمودند . در اندیشه

ایشان اصلی ترین شاخصه تمدن نوین اسلامی خدامحوری است یعنی اعتقاد به وحدانیت خداوند و لحاظ کردن آن در تمام ابعاد زندگی و قرار دادن این باور به عنوان محور زندگی.

در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن نوین اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام علیه السلام اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش فرض‌های امت واحد و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند (امام خمینی ره، صحیفه ج ۱۰: ۴۴۹).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب ایمان به عنوان، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). بنابراین، مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد.

شاخص دیگر تمدن نوین اسلامی اهمیت علم و معرفت است که این اهمیت را می‌توان با توجه به

نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم در یافت ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ *﴾ علم و دانش در تمدن اسلامی از جایگاهی بسیار رفیع ای برخوردار بوده و به همین اندازه سهم عظیمی در پی ریزی تمدن نوین اسلامی نیز دارد.

از این رو، در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۹).

به اعتقاد مقام معظم رهبری، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالایی هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵ / ۸ / ۲۰).

همچنین از نظر رهبر معظم انقلاب در تمدن نوین اسلامی عدالت از اهمیت بالایی برخوردار

است چرا که به عنوان یکی از فلسفه‌های بعثت انبیا الهی بیان شده است.

عدالت از اصول دین است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾ (نساء، ۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید، ۲۵). در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کنند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید

طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

اخلاق یکی دیگر از شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

مقام معظم رهبری تحجر را یکی از اصلی‌ترین افت‌ها در دستیابی به تمدن نوین اسلامی می‌دانند. تحجر یکی از موانع و بازدارنده‌های جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید به شدت از آن پرهیز کرد؛ زیرا ما هر روز شاهد تحول در حوزه‌های مختلف زندگی هستیم. در تاریخ اسلام خوارج اولین گروهی بودند که به تحجر مبتلا شدند. امام علی علیه السلام با تعبیر تندی درباره آن‌ها فرمودند: «من می‌کوشم که دردها را با شما درمان کنم، در حالی که شما خود درد بی‌درمان شده‌اید. کسی را مانند شده‌ام که خار در پایش خلیده است و او ناگزیر است با کمک خاری دیگر، خار را از پای بیرون کشد؛ و حال اینکه می‌داند آن خار در جای خار اول بشکند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰). خطر تحجر و قشری‌نگری در تمدن نوین اسلامی به میزان بسیاری مورد توجه مقام معظم رهبری قرار دارد و معظم‌له مدام بر تولید فکر و نوآوری در تمامی زمینه‌ها تأکید اساسی دارند.

دین اسلام که به عنوان دین خاتم معرفی شده است (احزاب، ۴۰) باید برای هر مسئله جدیدی که در تمدن نوین اسلامی در خصوص نیازهای بشر مطرح می‌شود، راهکار داشته باشد و این امر به جامعیت قوانین اسلام باز می‌گردد. مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند که در حوزه‌های علمیه باید افرادی مسلط به دانش‌های مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای جدید پرورش یابند. ایشان

می فرمایند: روزی که در جامعه و کشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصیت روحانی مانند امام وجود داشته باشند، شما ببینید چه حرکت عظیمی در این جامعه به وجود خواهد آمد. وقتی در جامعه ما صدها نفر شخصیت دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی در فلسفه و کلام و فلسفه جدید و محاجه با شبهه افکنان وجود داشته باشند، ببینید چه اتفاق عظیمی در جامعه می افتد. وقتی به وسیله همین مجموعه، هزاران کتاب، مجله و مقاله‌های علمی در سطح دنیا با زبان‌های مختلف منتشر شود، شما ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه عالم بر همه فضای فکری جهان بشری پرتو خواهد افکند. تحقیق همه این امور میسر است. (بیانات مقام معظم رهبری)

مقام معظم رهبری در تعریفی کلی، شاخصه تمدن نوین اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کردند و مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آن‌ها سخن گفتند، عبارت‌اند از محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر. اما معظم له با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، مسأله تمدن نوین اسلامی را با مؤلفه‌های جدیدی مانند ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری را مطرح نمودند تا تمدن اسلامی پویا شود و در رقابت با دنیای مدرن غرب باقی بماند و پویایی خود را حفظ کند. به اعتقاد معظم له گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه‌های قوی به وجود می‌آید.

انقلاب اسلامی ایران و ارتباط آن با حرکت بیداری اسلامی در دوران معاصر

انقلاب اسلامی مولود بیداری اسلامی است زیرا توانست پس از حدود یکصد سال تمام آمال و آرزوها و اهداف مطرح شده توسط نخستین بیدارگران اسلامی دور جدید به ویژه سید جمال‌الدین اسدآبادی را به تمام عینیت بخشیده و محقق ساز است. سید جمال‌الدین پس از تشخیص مشکل عقب‌ماندگی در جهان اسلام کوشید تا با بیدارسازی حکام پادشاهان و سلاطین در گام نخست و رهبران

دینی، محلی، نخبگان و توده‌های مردم در گام بعد، با ارائه راهکارهای اسلامی-بومی برای این عقب‌ماندگی غلبه کند. سید جمال‌الدین چرایی گرفتار آمدن مسلمانان در این واقعیت را در دور شدن مسلمانان از اسلام اصیل تشخیص داد و راه‌حل کلان غلبه بر آن را نیز بازگشت به اسلام اصیل تجویز نمود. به‌همین دلیل است که او را نخستین بیدارگر اسلامی معاصر خوانده‌اند. (حکیمی، ۱۳۵۶).

چون در صدد بیدار کردن مسلمانان به نام و برای اسلام بود، برای نائل آمدن به این هدف کلان او چند راهبرد عملیاتی پیشنهاد کرد که در صورت عمل به آن مسلمانان می‌توانستند بر وضع نامطلوب موجود غلبه کرده و به وضع مطلوب و موردنظر اسلام برای بشریت و مسلمانان نائل شوند. راهکارهای سید جمال‌الدین اسدآبادی عبارت بودند از:

مبارزه با استبداد و خودکامگی مستبدان حاکم بر جوامع اسلامی بنام اسلام و با تکیه بر اسلام و معتقد بود که فقط نیروی مردم می‌تواند بر قدرت زورمندان و ظالمانه حکام مستبد مسلمان غلبه کند و مردم فقط زمانی حاضر به حضور گسترده و بی‌محابا در این عرصه می‌شدند که پای اسلام و تکلیف شرعی در میان باشد، به‌همین جهت باید کاری می‌کرد که مردم بیدار شده و مبارزه با استبداد و مستبدان را یک تکلیف دینی بدانند. آشنایی با علوم و فنون جدید و مجهز شدن به آن، بازگشت به اسلام اصیل اولیه، اسلام بدون خرافه، بدون بدعت و دور از قشر‌گرایی.

ایمان و اعتقاد راسخ به مکتب اسلام به‌عنوان مکتبی که توانایی لازم برای نجات مسلمانان و رهایی آن‌ها از وضع نامطلوب موجود را دارد.

ضرورت اتحاد جهان اسلام، احیاء فریضه جهاد در جوامع اسلامی و دمیدن روح مبارزه در میان مسلمانان؛ مبارزه با خودباختگی در برابر غرب. (ر.ک: مطهری ۱۳۷۷).

انقلاب اسلامی ایران توانست به‌خوبی و به‌درستی با عملیاتی کردن این راهکارها آنچه را که سید جمال به‌صورت نظری مطرح کرده بود در عمل پیاده نماید. در جریان انقلاب اسلامی ایران مردم به نام اسلام و تکلیف شرعی به خیابان‌ها و صحنه‌ها ریخته و طومار استبداد و استعمار را درهم پیچیدند، با باور عمیق به جهاد در راه خدا، از شهادت فی‌سبیل‌الله با آغوشی باز استقبال کردند، به اسلام به‌عنوان یک مکتب رهایی‌بخش نگریسته و به کلیه لوازم آن تن در داده و بدان عمل کردند. با غرب و خودباختگی مقابله کرده و در کلیه مراحل بازگشت به اسلام اصیل اولیه مقصود بود و وحدت جهان اسلام شعاری تخلف‌ناپذیر محسوب می‌گردید.

به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران توانست آنچه را که برای بیدارگران اسلامی نظیر سید جمال‌الدین، حسن البنا، سید قطب (مصر)، امیر عبدالقادر، بن بادیس، بشیر الابراهیمی (الجزایر)، ابوالاعلی مودودی، اقبال لاهوری (شبه قاره هند)، محمدباقر صدر، محمدباقر حکیم (عراق)، ملا سعید نورسی (ترکیه)، علال الفاسی (مغرب) سنوسی و عمر مختار (لیبی)، امام موسی صدر لبنان، آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی در ایران، یک آرزو و گاه یک رؤیا محسوب می‌شد، جامع عمل پوشانیده و در عینیت تموم و کمال محقق سازد.

این‌گونه بود که با انقلاب اسلامی ایران، موج اول بیداری اسلامی که با سید جمال‌الدین اسدآبادی آغاز شده و بیشتر نظری، فکری و ایده پردازان بوده به موج دومی منتهی شد که بیشتر عمل‌گرا، عینیت بخش و پیش‌برنده بود با انقلاب اسلامی ایران موج دومی در روند بیداری اسلامی آغاز گشت که در آن، (انقلابی به نام خدا) در انتهای قرن بیستم ماده‌گرا و ماده زده افق‌های جدیدی فراروی مسلمانان و جهانیان گشود. با انقلاب اسلامی ایران بیداری اسلامی توانسته هم صاحب یک تئوری برای انقلاب و هم حامل یگ الگو برای حکومت باشد: تئوری انقلاب اسلامی و الگوی مردم‌سالاری دینی اسلامی. از این مرحله است که انقلاب اسلامی به مولد بیداری اسلامی تبیین می‌شود. با انقلاب اسلامی ایران موج دومی از بیداری اسلامی در جهان برمی‌خیزد.

انقلاب اسلامی ایران سیر حرکت جامعه ایرانی و نوع بشر را به سوی تکامل و تعالی سرعت بخشید و راه را باز، هموار و پیمودنی نمود. بشریت امروز در عصر انقلاب اسلامی و به تعبیر رهبری معظم انقلاب اسلامی، در عصر امام خمینی علیه السلام به سر می‌برد. گسترش روحیه خداجویی، توجه به معنا‌گرایی در مقابل ماده‌گرایی که میتوان آن را ارتقاء وجدان بشری به برکت انقلاب اسلامی نامید، زمینه ساز تغییر و تحولاتی در نگرش به تئوری‌های مسلم انگاشته شده غربی در عرصه‌های مختلف شده است. گرایش به مذهب و معنویت، توجه به نیازهای راستین بشری، بی‌اعتنایی به منازعه‌چپ و راست، بناگذاری و مطالبه مدل‌های بومی، انسانی و الهی که هم پاسخگویی نیازهای مادی بشر باشد و هم تأمین‌کننده مطالبات معنوی انسانها باشد، امروزه به خواست عمومی تبدیل شده است.

انقلاب اسلامی به برکت عناصر پویای اسلام شیعی توانست در مبارزه با غرب از سطح اجمال به تفصیل برسد و با اکتفا نکردن به نفی و سلب کلی غرب، دست به ایجاب و تأسیس بزند و در برابر الگوهای غربی و شرقی رایج، اقدام به نهادسازی و نظام‌سازی بر اساس اسلام نماید.

می‌توان این‌طور بیان کرد که انقلاب اسلامی ایران در دهه چهارم حیات خود در نظر و عمل در جستجو و در مسیر تحقق بخشیدن به تمدن نوین اسلامی است.

نتیجه‌گیری

مطرح شدن مفهوم تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر وارد گفتمان عمومی کشور شده و در کانون توجه متفکرین قرار گرفته را باید از جمله اصلی‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی بر شمرد. انقلابی که بار دیگر اسلام را پس از مدت‌ها به عنوان مکتبی جریان ساز به جهانیان معرفی کرد. البته از یک قرن قبل از آن، ممالک اسلامی شاهد ظهور نهضت‌هایی بوده‌اند که هدف خود را بازسازی جهان اسلام، اتحاد مسلمانان، رهایی سرزمین‌های اسلامی از رکود و عقب ماندگی و مقابله با نفوذ استعمار غرب معرفی می‌کردند، که برای نیل به این امر بر احیا و بهره‌برداری از میراث تمدن گذشته مسلمانان تأکید می‌کردند.

اما با انقلاب اسلامی ایران بود که این تلاش‌ها به نتیجه ملموسی دست یافت و به ظرفیت تعالیم اسلام در جهت ایجاد تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی و استقرار حکومت عینیت بخشید. انقلاب اسلامی و نظام نوپا اسلامی از همان آغاز رویکرد خود را مبنی بر اصل امت واحده بنیان نهاد. اصلی که ریشه در آموزه‌های دینی مسلمانان دارد و از اساسی‌ترین ارزش‌های دین اسلام به شمار می‌رود که بارها در قرآن و سیره و گفتار معصومین به عنوان یک امر حیاتی مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو بود که رهبر کبیر انقلاب اسلامی دهه اول انقلاب را صرف تأکید بر این اصل و تبیین آن نمود. پس از آن جانشین ایشان، حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأیید و ادامه این رویکرد، تلاش نمود تا آرمان امت واحده را در قالب نظریه‌ای تحت عنوان تمدن نوین اسلامی صورت بندی کند. در این نگاه مسلمانان باید با نگاه و بهره‌گیری از داشته‌های تاریخی و میراث تمدنی خود، راه‌هایی برای بالفعل کردن این ظرفیت بالقوه در دنیای امروز تبیین کنند. چراغ راه این پروسه البته ارزش‌ها و شریعت اسلامی خواهد بود که پایه و اساس این تمدن نوین خواهند بود.

این مسیر البته با چالش‌های گوناگونی مواجه است. از جمله می‌توان به اختلافات مذهبی در جهان اسلام، تعصبات قومی و نژادی، ضعف‌های مادی و کمبودهای سخت‌افزاری در ممالک اسلامی، عقب ماندگی علمی و توطئه دشمنان اشاره نمود. همچنین می‌توان برخی مشکلات و

ناکارآمدی‌ها در نظام ایران که باید نقش الگو را برای دیگر مسلمانان ایفا کند ، از جمله دیگر آسیب‌های این حرکت عنوان کرد. البته از نظر نگارنده اصلی‌ترین مانع در ایجاد و تقویت بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی ، التقاط فکری و تاثیر پذیری شدید بخشی از نخبگان سرزمین‌های اسلامی از گذاره های معرفتی غربی است که با مطرح شدن مفاهیمی همچون سکولاریسم، فقه حداقلی ، عبور از فقه و یا اصالت دادن به دولت - ملت مدرن در برابر اصل امت خود را نشان می دهد .

با این حال باید توجه داشت که فرایند تمدن سازی ذاتا امری زمان بر است و نمی توان انتظار به ثمر نشستن آن در مدت زمان اندک را داشت. واقعیت این است که مفهومی تحت عنوان تمدن نوین اسلامی در حال حاضر مراحل تبیین تئوریک خود را طی می کند. این مرحله ایجاب می کند که چنین نظریه ای مورد بحث و نقد و واکاوی نخبگان مسلمان قرار بگیرد .

با نگاهی به تاریخ در می یابیم که استقرار تمدن‌های مطرح بشری حاصل تحولاتی پر فراز و نشیب و به درازا چند قرن بوده است . به عنوان نمونه آن چیزی که مورخان از آن تحت عنوان دوران طلایی تمدن اسلامی یاد می کنند از قرن سوم هجری پا به عرصه وجود گذاشته است و خود حاصل یک سیر تکاملی به درازا بیش از دو قرن بوده است ، همینطور که غرب مدرن سه قرن پس از ظهور اومانیسم و رنسانس توانست خود را به عنوان تمدن غالب جهانی مطرح نماید . البته در زمانه حاضر به دلایل مختلف از جمله گسترش فناوری و ارتباطات ، تحولات انسانی از سرعت به مراتب بالاتری برخوردار هستند، اما این نافی زمان بر بودن امر مهمی مثل تمدن سازی نمی باشد .

در این بین آنچه که حایز اهمیت است استمرار حرکت رو به جلو در تبیین و تثبیت و گسترش پایه‌های نظری تمدن نوین اسلامی می‌باشد. البته همزمان با آن باید به طور جد به تقویت و پیشرفت ایران اسلامی در زمینه‌های مختلف مادی و معنوی اهتمام ورزید. این امر از اهمیت بالایی برخوردار است، از آن جهت که با توجه به پیشقراول بودن نظام اسلامی ایران در حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی ، از نظر جهانیان هر گونه کارآمدی و یا ناکارآمدی نظام ایران محکی برای ارزیابی ، ظرفیت تمدن سازی اسلام در عصر حاضر خواهد بود .

منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵
۲. ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۱۰۱ - ابن درید، ۱۹۷۸م، ج ۱، ص ۶۰
۳. ابن هشام، السیره النبویه دار احیا التراث العربی، بیروت، ج ۲، بی تا
۴. ابوالحمد عبدالحمید، حقوق اداری ۲، ج ۸، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۸
۵. احمدی، ظهیر، مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲، ۱۳۸۸
۶. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۲
۷. افتخاری، اصغر، «کالبد شکافی دولت دینی»، معرفت سیاسی، شماره ۱، ۱۳۸۸
۸. بهشتی، سیدمحمد حسین، مبانی نظری قانون اساسی، ج ۴، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های دکتر بهشتی، ۱۳۹۰
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲
۱۰. جعفری، محمد تقی، مقدمه استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵
۱۱. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی ج ۱، نشر الکترونیکی امیر قربانی، ۱۳۹۲
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، قم، ۱۳۸۶
۱۳. جوان آراسته، حسین، امت و ملت، نگاهی دوباره، حکومت اسلامی، سال ۵، شماره ۲، ۱۳۷۹
۱۴. حاتمی، محمدرضا، مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، نشر علوم و فنون رازی، ۱۳۸۴
۱۵. حمیدالله، محمد، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۶
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مفردات الفاظ القرآن

لبنان ۱۴۱۲ ق

۱۷. زارعی، بهادر، تحلیل تنوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳، ۱۳۹۰
۱۸. دائرة المعارف القرن العشرين، ۱۳۵۷ ق
۱۹. دهخدا علی اکبر، ۱۳۷۷
۲۰. سرخسی، محمد ابن احمد، شرح السير الكبير، قاهره: چاپ صلاح الدين منجد. ۱۹۷۱
۲۱. سيد قطب، عدالت اجتماعی اسلام، نشر كلبه شروق، ۱۳۷۸
۲۲. شریعتی، علی، فرهنگ لغات، انتشارات قلم، تهران. ۱۳۸۳
۲۳. شیخ طوسی، ابوجعفر، مبسوط، بیروت: دارالکتاب الاسلامیه. ۱۳۹۶ ه ق
۲۴. صدر، سید محمد باقر، الاسلام يقود الحياه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت. ۱۴۱۰ ه ق
۲۵. طاهایی، سید جواد، اندیشه دولت مدرن- به سوی نظریه دولت امام خمینی علیه السلام، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج. ۱۳۸۱
۲۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۳۵۰
۲۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تحقیق و تصحیح سید احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، ج ۳، ص ۳۴۰، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش
۲۸. عبدالباقی، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم، دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ ق
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۵
۳۰. غمامی، سید محمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول. ۱۳۹۰
۳۱. فاضل میبدی، محمد تقی، «دین و دولت از نگاه امام خمینی»، نامه مفید، شماره ۲۰. ۱۳۷۸
۳۲. فخرالدین محمد رازی، تفسیر کبیر (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ ق) ج ۱۲، جزء ۲۳، ص
۳۳. فیرحی، داوود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، انتشارات سمت. ۱۳۹۱
۳۴. قاسمی، محمد علی، دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی علیه السلام، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۳، ۱۳۸۹

۳۵. کعبی، عباسعلی، شرح فقهی قانون اساسی، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳
۳۶. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق، ح ۲۰۲۴۲
۳۷. گرجی، علی اکبر، «دموکراسی و آزادی مذهبی در بستر لائسیتته»، پژوهش حقوق و سیاست، سال دهم، شماره ۲۵. ۱۳۸۷
۳۸. محمد ابن مکی، شهید اول، الدروس، قم: انتشارات مکتب مفید. بی تا
۳۹. مدنی، سیدجلال الدین، کلیات حقوق اساسی، تهران: انتشارات پایدار. ۱۳۸۷
۴۰. مسلم النیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ق. باب اماره، ص ۵۳
۴۱. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چ ۱۲، ۱۳۶۲
۴۲. مطهری، مرتضی، ولاءها و ولایت‌ها، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹
۴۳. میرباقری، مهدی، «دین و دولت، دولت دینی»، بازتاب اندیشه، شماره ۶۶. ۱۳۸۴
۴۴. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹ش، ح ۲۴۳۴
۴۵. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۷
۴۶. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، چ ۲۹، انتشارات آگه، ۱۳۹۳
۴۷. هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، مترجم محمدعلی حمیدرفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۸
48. Eliade, mircia, 1986, the encyclopedia of reigion, macmillan publishing company.
49. Esposito, john, 1987, islam and politics, siracuse university press. www.farsi.khamanai.ir

